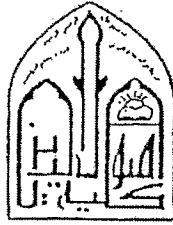


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١. ٤٨. ٥



دانشکده اصول الدین

قم

گروه علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد

موضوع:

سعودت و نحوست (سعد و نحس) از منظر قرآن و روایات

استاد راهنما:

حجه الاسلام دکتر احمد عابدی

استاد مشاور:

دکتر عبدالرضا زاهدی

نگارش:

روح الله محمد علی نژاد عمران

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۵

نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۶-۸۵

۱۰ ← ۸۰۵

کتابخانه مرکزی
مجلس شورای اسلامی
قم

سپاسنامه

على قضاء حقوق للعلی قبل

أريد بسطه كف استعين بها

(لامیه العجم، طغرای)

این پریشان‌نامه - که نشان از آشفته روزگاری نگارنده خویش دارد - را چندان ارجی نیست تا آراسته به اسم بزرگانی گرانمایه شود. و هر چند که بارها در راه پژوهش به پویه درآمدم و ناراستی بسیار به این دستک راه یافته، ولی اگر مایه‌ای هم در آن یافت شود و امدار راهنمایی و دستگیری‌های استاد گرامی راهنمایم، دانشمند فرزانه حضرت استاد حجه‌الإسلام دکتر احمد عابدی - که دیر زیاد -

«استاد طبییست و مؤید ز خداوند بل کز حکم و علم مثالست و مصور»

و استاد ارجمندم حجه‌الإسلام دکتر عبدالرضا زاهدی، می‌باشد

و

استادان فرهیخته‌ام درآمل

حضرت استاد دکتر اسماعیل واعظ جوادی

و جناب آقای رضا سلامت‌پناه

که

پیشگاه پدرام درسشان همواره آشیانه بهشت این ابجدآموز دبستان دانش خواهد بود.

تقدیم به:

پیشگاه و آستان رفیع «مولاتی و ولی نعمتی کریمه اهل البیت» حضرت فاطمه معصومه
(سلام الله علیها) که توفیق تحصیل و ابجدآموزی در قم المقدسه از سر عنایات حضرتش نصیب
این کمینه گردید.

و

دانشمند بی همال و مفضال؛ مرحوم علامه سید مرتضی عسگری
که از برکت تلاش ایشان در جهت ترویج علوم حقه‌ی قرآنی و حدیثی در کلیه اصول‌الدین
بهره‌گیری از خوان گسترانیده علم و دانش نصیب حقیر و دیگر جویندگان زلال معرفت گشت.

چکیده پایان‌نامه:

این پژوهش در کلیات و شش بخش سامان یافته است که پس از بیان تعاریف و بنیادهای پژوهشی پایان‌نامه در بخش نخست که ویژه حقیقت و خرافه گردیده است در آغاز، اساطیر و خرافات و خاستگاه آن مورد بررسی، سپس به خرافه‌گرایی و دلایل رواج آن در جوامع دینی و نقش اسرائیلیات در این میان پرداخته شد و عوامل خلط ساحت حقیقت و خرافه و ملاک‌های تمیز ایندو از یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت چه آنکه ساحت مسأله سعد و نحس از امتزاج و اختلاف میان حقایق و خرافات مستثنی نبوده تبیین آن مستلزم بدست دادن ملاک‌های تمیز حقیقت و خرافه از هم می‌باشد.

در بخش دوم که از نجوم و تنجیم گفتگو می‌نماید کوشش گردید تا چشم‌اندازی از تاریخچه و باورها و نظراتی که مردمان پیشین و خردمندان، پیرامون فلکیات و تأثیر ایشان بر سعد و نحس شدن امور زمین بر ساخته‌اند، فرا روی نهاده شود تا با این دیباچه از دیدگاه‌های ژرف‌نگرانه قرآن و روایات سخن گفته شود، که نخست از واژگان پژوهی نجوم و صناعت تنجیم در قرآن یاد شد و نیز تأثیر کواکب در حوادث زمینی، مسأله مدبرات امر بودن ستارگان و نگاه توحیدی به سعد و نحس نجوم و رد نظر دهریون بیان گردید. سپس خلط ساحت حقیقت و خرافه در صناعت تنجیم و جمع روایات به ظاهر متعارض در این باب، مورد بحث قرار گرفت.

در بخش سوم که دربردارنده تفأل و تطیر می‌باشد سعی بر آن شده تا ضمن بیان جایگاه تفأل و تطیر نزد قرآن و روایات، چگونگی ارتباط آن با سعودت و نحوست تبیین گردیده نقش تأثیرات نفسانی و تلقینی در این میان کاوش شود.

بخش چهارم با عنوان سعودت و نحوست از منظر قرآن و روایات، ضمن اشاره بر چیستی سعد و نحس امور، به بیان نگاه قرآن و روایات در این باب پرداخته عقیده‌ی فلاسفه و حکماء از پیش روی گذرانده شد و حقانیت و بطلان آن از منظر شریعت مقدس مورد تفحص قرار گرفت.

بخش پنجم و ششم نیز که دربردارنده مصادیقی از تأثیرات نفسانی می‌باشد «استخاره و چشم زخم» حقانیت و بطلان آن از دیدگاه قرآن و روایات و نیز علوم حسی و تجربی مورد بررسی قرار گرفته سعد و نحسی و راه‌های دفع نحوست آنها گزارش گردید.

و این دفتر نافرجام به انجام رسید.

کلید واژگان: قرآن، حدیث، اساطیر، نجوم، تنجیم، سعد، نحس، فال، تفأل، طیره، تطیر

فهرست

صفحه	عنوان
	کلیات تحقیق
أ	بیان مسأله.....
أ
ب	اهمیت و ضرورت و اهداف بحث.....
ب	بیان جنبه‌های مجهول و مبهم.....
ت	سؤالات تحقیق.....
ث	پیشینه تحقیق.....
ث	روش تحقیق.....
ث	نتایج علمی و عملی تحقیق.....
	بخش نخست: حقیقت و خرافه
۳	فصل اول: اساطیر و موهومات.....
۴	۱. معناشناسی واژگان اسطوره و اساطیر.....
۵	۲. معناشناسی حقیقت و خرافه.....
۵	۳. وهم، خاستگاه خرافات و اباطیل.....
۶	فصل دوم: خرافه‌گرایی.....
۶	۱. عوامل بروز خرافه‌گرایی در میان جوامع بشری.....
۷	۲. علت رواج وهمیات و خرافات میان جوامع دینی.....
۸	۳. عوامل خلط میان حقیقت و خرافه.....
۸	۴. نقش اسرائیلیات در ورود خرافه به ساحت عقاید دینی.....
۹	۵. ملاک‌های تمیز حقیقت از خرافه.....
	بخش دوم: نجوم و تنجیم
۱۳	فصل اول: نجوم.....
۱۳	۱. واژه شناسی نجوم.....
۱۵	۲. بازشناسی صناعت نجوم و اقسام آن در قرآن کریم و روایات.....
۱۹	فصل دوم: تنجیم.....
۱۹	۱. معناشناسی تنجیم در قرآن کریم.....
۱۹	۲. آباء علوی و امهات سبعة.....
۲۰	۳. تأثیر کواکب در حوادث زمینی.....
۲۲	۴. صناعت تنجیم و جایگاه و نقش آن در سعد و نحس.....

۲۵ بیان سعد و نحسی ستارگان
۲۶ عقیده شرک‌آلود صابئه (دهریون) در مؤثر بودن نجوم
۲۷ بیان قرآن و روایات در مسأله مدبرات امرأاً
۲۹ تنجیم از منظر فقهاء
۳۰ نگاه توحیدی در واسطه فیض بودن فلکیات و خلط ابن خلدون
۳۶ تفاوت تنجیم و غیب‌گویی
۳۷ خلط میان ساحت حقیقت و خرافه در سعد و نحسی نجوم
۳۷ حقانیت صناعت نجوم از منظر روایات و جمع میان تعارضات حدیثی
۳۸ -اندک بودن دانش بشری
۴۰ - بروز ظن خروج از دایره توحید
۴۱ - سبب ایجاد تعظیم کواکب
۴۲ - زمینه سازی ورود به مباحث باطله
۴۲ - تطییر بخشی
۴۳ - علت تامه نبودن تاثیر نجوم
۴۵ - مندرس شدن علم تنجیم
۴۶ - راه یافتن اباطیل

بخش سوم: تَفَال و تطییر

۵۰ فصل اول: تطییر از منظر قرآن و روایات
۵۲ ۱. معناشناسی تطییر
۵۹ ۲. جایگاه تطییر در شریعت مقدس (قرآن و روایات)
۶۰ ۳. تطییر و نقش آن در سعد و نحس
۶۱ ۴. تأثیرات نفسانی و تلقین در کارگر افتادن تطییرات
۶۳ ۵. راه‌های جلوگیری از تأثیرات منفی تطییر
۶۵ فصل دوم: تَفَال از منظر قرآن و روایات
۶۵ ۱. معناشناسی تَفَال
۶۷ ۲. جایگاه تَفَال از منظر قرآن و روایات
۶۸ ۳. نقش تلقین در تأثیرگذاری تَفَال
۶۹ ۴. تَفَال و نقش آن در سعد و نحس

بخش چهارم: سعادت و نحس است از منظر قرآن و روایات

۷۱ فصل اول: سعد و نحس
۷۳ ۱. معناشناسی نحس
۷۷ ۲. معناشناسی سعد

۸۰ فصل دوم: سعودت و نحوست از منظر قرآن و روایات
۸۰ ۱. سعد و نحس ایام ، آژمنه و امکنه
۸۰ ۲. سعد و نحس فلکیات و نجوم
۸۱ ۳. سعد و نحس ستارگان نزد نجومیان
۸۱ ۴. اعتقاد ایرانیان قدیم به سعد و نحس
۸۱ ۵. سعد و نحس ایام از منظر قرآن و روایات
۸۲ ۶. سعد و نحس خواتیم، اشیاء و نفوس
۸۳ ۷. سعد و نحس از منظر علوم عقلیه
۸۴ ۸. نحوست ایام و ذاتی یا عرضی بودن آن
۸۴ ۹. ایام الله و سعودت و نحوست عارض بر آن
۸۵ ۱۰. خلط ساحت حقیقت و خرافه در مسأله سعد و نحس
۸۶ ۱۱. راه‌های دفع نحوست و تأثیرات نژاد آن

بخش پنجم : استخاره

۸۸ فصل اول: استخاره در قرآن کریم
۹۰ ۱. معناشناسی استخاره
۹۱ ۲. استخاره از منظر قرآن و روایات
۹۲ ۳. استخاره از منظر فقهاء
۹۵ ۴. اقسام استخاره
۹۵ - ذات الرقاع
۹۶ - استخاره به سبحه
۹۷ - استخاره به قرآن
۹۸ - استخاره جلاله
۹۹ فصل دوم: استخاره و سعد و نحس
۹۹ ۱. استخاره و تفأل
۱۰۰ ۲. تفاوت استخاره و عرفانی
۱۰۲ ۳. جایگاه استخاره در سعد و نحس

بخش ششم : ازلاق الابصار

۱۰۷ فصل اول: چشم زخم در قرآن و روایات
۱۰۸ ۱. چشم زخم حقیقت یا خرافه
۱۰۹ ۲. چشم زخم از منظر قرآن و روایات
۱۱۴ ۳. رقیه و راه‌های دفع چشم زخم
۱۲۲ فصل دوم: چشم زخم و سعد و نحس

۱. چشم زخم و جایگاه آن در سعد و نحس ۱۲۲
۲. نقش تأثیرات نفسانی و تلقین در چشم زخم ۱۲۳
۳. چشم زخم از منظر علوم تجربی ۱۲۶

نتیجه گیری ۱۲۸

منابع و مأخذ ۱۳۰

کلیات تحقیق:

بیان مسأله:

چو خود بد کنی اختر خویش رابد مدار از فلک چشم نیک اختری را
(ناصر خسرو)

از روزگاران دور میان اقوام بشر اندیشه‌هایی مبتنی بر خجستگی و فرخی و نیز شومی و بداختری زمان‌ها و جای‌های خاص وجود داشت و طرفه آنکه باور داشتهایی چنین از میان ادیان الهی نیز فراوان در دست است چنانکه حتی از برای ایام سعد و نحس، آداب و وظایفی خاص نهادند و این مسأله را می‌توان از رهگذر بررسی در آئین‌ها و اسطوره‌های کهن بشری و نیز درنگ ایشان در احوال ستارگان، تا به روزگارانی بس دراز پی گرفت. ایرانیان باستان همواره در کنار موبدان، فرخی و نژندی ایام را از استار شمارگان جویا بوده‌اند. در شبه جزیره عرب مقارن عصر نزول وحی و پیشتر از آن، عقایدی خاص در این باره بوده که قرآن کریم نیز برخی از آنها را انعکاس داده، پذیرفته و یا ردّ نموده است. در نصّ قرآن، واژه نحس بعنوان وصف یوم دو مرتبه بکار رفته است که برخی مفسران از آن به تفصیل سخن رانده‌اند، اما در برابر آن بجای سعد، مبارک بکار رفته است. همچنین بجز اشارات قرآنی، در روایات اسلامی نیز بسیار به این مسأله بر می‌خوریم چنانکه علامه مجلسی (ره) در دایرة المعارف سترگ بحار الأنوار روایات بسیاری در این زمینه آورده‌اند که از جنبه‌های بسیاری شایسته بررسی و پژوهش است.

اهمیت و ضرورت و اهداف بحث:

از آنجا که عموماً در مباحث اعتقادی مع الأسف بنابر دلایلی عدیده، ساحت حقیقت و خرافه خلط گردیده است، افراد دانسته و یا ندانسته بر این امتزاج و اختلاط دامن زده بعض امور خرافی را پایبند گشته و قسمی از حقایق را نیز بر همین اساس از دایره شریعت خارج می‌دارند. و مسأله اعتقاد به سعودت و نحوست نیز از این قائله مستثنی نبوده موجبات مشکلاتی را برای جامعه بشری فراهم آورده است. از دیگر سوی وهابیون کوردل با متحجر و خرافی مسلک جلوه دادن شیعیان، عقیده به سعد و نحس را از اختصاصات شیعه قلمداد نمودند لذا بر خود فرض دانستیم تا با تنقیح مناطی از بحث و ترتیب آراء اندیشمندان سلف، حقانیت موضوع مورد نزاع را تبیین نموده ضمن بیان ملاکات تمیز میان حقیقت و خرافه، ساحت قدس شریعت را از لوث اباطیل و خرافات بزدائیم و بدین وسیله بر راستینی شریعت مقدس اشارتی دوباره نموده در برابر تجربیون و عقل مسلکان صرف، این عبارت بوعلی (ره) را یادآور شویم که «کلّ ما قرع سمعک من الغرائب فذره فی بقعه الإمكان».

بیان جنبه‌های مجهول و مبهم:

آنچه در این پژوهش جنبه‌های مبهم بحث به‌شمار آمده بدان می‌پردازیم، مشخص نبودن نگاه صافی یافته و روشن شریعت نسبت به موضوع بحث است و آنکه بعض روایات متعارض و اقوال گونه‌گون فقهاء و فلاسفه و عرفاء ملاک‌هایی متقن جهت تمیز میان ساحت حقایق از خرافات را طلبیده تا بدان واسطه بتوان تأویلی بر جمع میان متعارضات نمود.

سؤالات تحقیق:

سؤالات اصلی:

پرسش بنیادینی که ما در این پژوهش می‌کوشیم تا در خور توان بدان پاسخ داده شود از این قرار است:

۱. آیا می‌توان برخی از پدیده‌ها از قبیل زمان، مکان، یا برخی موجودات را سعدیانحس نامید و دیدگاه قرآن کریم و روایات در این موضوع چیست و تحلیل عقلی آنها چگونه است؟

سؤالات فرعی:

۱. آیا سعودت و نحوست، ذاتی ایام و امکانه و حالات است یا عرضی آن؟

۲. تفاوت تنجیم و نجوم چه بوده و اعتبار آن در آموزه‌های اسلامی چگونه است؟

۳. سعودت شعائر دینی و ایام الله اسطوره‌ای است یا برپایه حقیقت می‌باشد؟

۴. تأثیر سعد و نحس واقعی یا تلقینی است؟

۵. استخاره و ارتباط آن با سعد و نحس چیست؟

۶. از لاق الأبصار و ارتباط آن با سعد و نحس چیست؟

پیشینه تحقیق

در متون اسلامی، بجز قرآن کریم و تفاسیری که بالنسبه ذیل برخی آیات، به موضوع مورد بحث پرداخته‌اند، روایات فراوانی نیز پیش رو داریم که برخی از آنها از دیدگاه‌های مختلف بررسی و پژوهش شده‌اند سید بن طاوس (ره)، سید مرتضی (ره) و علامه مجلسی (ره) هر یک، بسیاری از روایات سعد و نحس را گردآورده بررسی نموده‌اند، همچنین آقا جمال خوانساری در خلال رساله گرانسنگ «إختیارات الأیام» مباحث سودمندی ارائه نموده است و این جمله خود بجز برخی آثار متکلمان و نیز حکماء مشائی است که از این مسأله در کتاب‌هایی مانند جامع الحکمتین و شفا، اشارات و دقایقی آورده‌اند. لیکن با همه این اوصاف مجموعه‌ای در خور که به تمامیت، بحث را مورد موشکافی قرار داده باشد یافت نگردیده الا یک دو مقاله که جز آن جمله کتب و مقالات هر یک از منظری بدان پرداخته‌اند.

روش تحقیق:

روش نگارنده در این پژوهش، کتابخانه‌ای بوده ضمن بازکاوی بحث از میان تراث لغوی و نیز تفسیری، نظر گاه حکماء و فلاسفه و فقهاء و بعض اهل عرفان نیز مورد مطالعه و بهره‌برداری واقع شدند که به حد بضاعت مورد فهم آمده در پژوهش منعکس گردیده است.

نتایج علمی و عملی تحقیق:

از نتایج علمی و عملی بحث، همین بس که اولاً گامی در جهت پاسداشت و زنده نگاهداشتن شعائر مقدس برداشته شده، واقعیتی از واقعیات دین را یادآور شده از راستی یانادرستی آن کاوش می‌گردد. ثانیاً آنکه خُبث اوهام و خرافات و أباطیل را از ساحت مقدس دین زدوده زلال شریعت را (بعونه) تبیین می‌کند. و ثالثاً آنکه دایره جزم اندیش فکر بشری را وسعت داده از انحصار در تجربیات و شواهد عینی رهانیده به حقایق ماورائی متذکر می‌گردد، فلذا از ابتلائات انسان در سیطره بعض تکوینیات، بازداشته ممانعت بعمل می‌آید.

بخش نخست:
حقیقت و خرافه



فصل اول: اساطیر و موهومات

معناشناسی واژگان قرآنی اسطوره و اساطیر:

در قرآن، گستره خرافات و اباطیل با واژه اساطیر که خود ۹ بار و آن هم همواره با اضافه بر (الأولین) بصورت اساطیر الاولین^۱ بکار آمده مشخص شده است.

الف. ساختار صرفی:

اساطیر از سطر آمده ماضی آن سَطَرَ مضارعش یسطُر جمع قلیل آن «أَسْطَر» و «أَسْطَار» بوده جمع کثیر آن «سُطُور»^۲ و خود جمع الجمع می‌باشد (فجمعه فی القلیل أسطر و الکثیر سطور، و الأساطیر جمع الجمع).^۳ خلیل بن احمد مفرد اساطیر را إسطاره و أسطوره^۴ گفته است که^۵ اللحیانی، أسطیر و أسطیره را بدان افزود (واحد الأساطیر أسطوره و أسطور و أسطیره و أسطیر، و اساطیر بأسطوره مثل احادیث و أحوثه)^۶ ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی^۷ به نقل از أخفش بمانند أبوزید، اساطیر را جمع بدون واحد دانسته همچون أبابیل و مذاکیر، مفردی برای

۱ - انعام / ۲۵؛ فرقان / ۵؛ نحل / ۲۴؛ انفال / ۳۱؛ مومنون / ۸۳؛ نمل / ۶۸؛ قلم / ۱۵؛ مطفین / ۱۳

۲ - معجم تهذیب اللغة ابی منصور محمد ابن احمد ازهری، ج ۲ ص ۱۶۸۳؛ نیز لسان العرب ابن منظور ج ۶ ص ۲۵۶؛ القاموس المحیط مجدالدین محمد بن یعقوب فیروزآبادی، ج ۲ ص ۶۹؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی الراقی، جزء الاول ص ۲۷۶ و تاج العروس من جواهر القاموس، محب‌الدین أبی فیض السید محمد مرتضی الحسینی الواسطی الزبیدی الحنفی ج ۶ ص ۵۲۰

۳ - تهذیب اللغة، همانجا؛ نیز لسان العرب همانجا و القاموس المحیط ج ۲ ص ۶۹

۴ - تهذیب اللغة، همانجا؛ نیز معجم مقائیس اللغة ابی الحسین احمد ابن فارس بن زکریا الرازی ص ۴۵۸؛ معجم مفردات، الفاظ القرآن، راغب الإصفهانی ماده سطر ص ۲۳۷؛ لسان العرب همانجا و مصباح المنیر، همانجا

۵ - ترتیب کتاب العین، خلیل بن احمد الفراهیدی ج ۲ ص ۸۱۸؛ نیز مجمل اللغة ابن فارس، ص ۳۴۸ و صحاح الجوهری ج ۱ ص

۵۵۹

۶ - تاج العروس، همانجا

۷ - صاحب مجمع البیان



آن قائل نیست^۱ (الأساطير من الجمع الذي لا واحد له مثل عبادید).^۲

ب- معنای واژگانی:

اساطیر را به فارسی سخن پریشان و بیهوده، باطل و به تعبیری افسانه بی مغز گویند.^۳ اصل واحد در ماده این کلمه خرافه و قول نژند^۴ است. خلیل بن احمد بر همین پایه آن را «احادیث لا نظام لها بشیء» و «احادیث تشبه الباطل ولا أصل له» گفته^۵ که ابن فارس أباطیل را بدان افزوده است.^۶

اسطوره^۷ و اساطیر به گفته ارباب لغت از ماده «سطر» و هو أن يجعل شيئاً ممتداً مؤلفاً و منه سطرٌ من كتب سطرٌ من الشجر مغروس^۸ در اصل به معنی (صف) الصف من الشیء كالكتاب و الشجر و النخل و نحوها^۹ بوده کلماتی را که در ردیف هم قرار داشته به اصطلاح صف کشیده‌اند سطر می‌گویند. اسطوره در معنای نوشته‌ها و بازمانده‌های دروغین گذشتگان، ترهات الأولین و أباطیل الأمم الماضیه^{۱۰}، به تعبیر راغب «أی شئیء کتبوه کذباً و میناً، فیما زعموا»^{۱۱} و به دیگر بیان (السطر المصنوع المجهول)^{۱۲} و (اعاجیب أحادیث)^{۱۳} آمده است. اساطیر الأولین در

۱- لسان العرب ج ۶ ص ۲۵۷؛ نیز تاج العروس، همانجا و قاموس قرآن، علی اکبر قرشی ج ۳ ص ۲۶۶

۲- نیز نک؛ تهذیب اللغة، همانجا؛ نیز لسان العرب همانجا

۳- لغت نامه، علی اکبر دهخدا ج ۲ ص ۱۹۴۱

۴- مثنوی معنوی، جلال‌الدین بلخی مولوی، دفتر سوم بیت ۴۲۳۸

۵- ترتیب کتاب العین ج ۲ ص ۸۱۸؛ نیز تهذیب اللغة ج ۲ ص ۱۶۸۳؛ معجم مقائیس اللغة ص ۴۵۸؛ لسان العرب ج ۶ ص ۲۵۶،

القاموس المحيط ج ۲ ص ۶۹ و تاج العروس ج ۶ ص ۵۲۰

۶- معجم مقائیس اللغة، همانجا؛ نیز مجمل اللغة ص ۳۴۸؛ صحاح، ج ۱ ص ۵۵۹؛ لسان العرب ج ۶ ص ۲۵۶؛ مصباح المنیر، الجزء

الأول ص ۲۷۶ و تاج العروس ج ۶ ص ۵۲۰

۷ - History

۸- ترتیب کتاب العین، همانجا؛ نیز تهذیب اللغة، همانجا و مصباح المنیر، همانجا

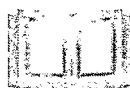
۹- مجمل اللغة ۳۴۸؛ نیز لسان العرب، همانجا و القاموس المحيط، همانجا

۱۰- معجم القرآن، عبدالرؤف المحامی ص ۴۳

۱۱- مفردات، ماده سطر ص ۲۳۷

۱۲- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی تبریزی، ج ۵، ص ۱۲۴

۱۳- أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارر، سعید الخوری الشرتونی اللبانی ج ۱ ص ۵۱۵



نگاه جمهور (ما سطره الأولون) به معنی احادیث الأولین التي كانوا یسطرونها ای یکتبونها می‌باشد.

اساطیر، داستانهای خرافی یا نیمه خرافی درباره قوای طبیعی و خدایان است که بصورت روایت از نسلهای متوالی به یکدیگر انتقال پیدا می‌کند.^۱ و چنانکه مرحوم علامه طباطبایی بیان داشته‌اند؛ اسطوره به معنای دروغ و خدعه بوده اساطیر منظومه و مجموعه‌ای از اخبار کذب می‌باشد^۲ و نیز داستان‌های پر جاذبه اما بیهوده و بی‌ثمری که از پیشینیان به یادگار مانده است. بر همین اساس، بسیاری از کفار که در برابر آیات کوبنده و اعجازین قرآن مجید به عجز آمده بودند آخرین حربه خود را اسطوره‌پرداز خواندن این کتاب شریف آسمانی دانستند و آن را مجموعه‌ای از اباطیل و قصص واهی برشمردند؛

«چون کتاب الله بیاید هم بر آن اینچنین طعنه زدند آن کافران

که اساطیر است و افسانه نژند» نیست تعمیقی و تحقیقی بلند^۳

واژه خرافه نیز که احتمالاً ریشه‌ای فارسی دارد و به معنای اسطوره و افسانه در عربی فراوان بکار رفته است^۴ به معنای حکایت یا قصه یا عقیده فاسد و رأی باطل، معادل Super Stition که عقاید بی‌اساس و تو خالی را معنی می‌دهد می‌باشد که به کلی خلاف منطق و واقعیت بوده از لحاظ عمومیت و شمول، شامل اساطیر یا حکایات افسانه‌ای که ناشی از اوهام عامیانه و جاهلانه می‌باشند و بر مبنای منطق و واقعیاتی نیز استوار نیستند، می‌گردد.^۵

۱ - دایره المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب ج ۱ ص ۱۱۷

۲ - تفسیر المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ج ۷ ص ۷۱

۳ - دفتر سوم مثنوی به نقل از آیات مثنوی، محمود درگاهی نیز در اینباره ن ک؛ التفسیر الکبیر، امام الفخر الرازی ج ۴ ص ۵۰۶

۴ - «الأسطورة الا قصه خرافیه»

۵ - جاهلیت و اسلام، یحیی نوری ص ۴۸۲



فصل دوم: خرافه‌گرایی و ریشه‌های آن

عوامل بروز خرافه‌گرایی در جوامع بشری:

خاستگاه همه خرافه‌پردازیها و اسطوره‌سازیها، وهم است که؛ «وهم به جهت جزم اندیشی اش از فهم مطالب حقه عاجز است... و چه بسیار است مطالب عالیه ای چون زنده گردانیدن استخوانهای پوسیده که عقل آنرا پذیرفته و وهم آنرا غیر قابل احقاق می‌پندارد»^۱ و خرافات و اساطیر و اباطیل، جمله در مقابل حقیقت است که ریشه در مبانی و مبادی منطقی داشته واقیعت آن از دریچه عقل که شعور ظاهر است و نقل بعنوان آبخوری از شعور مرموز «وحی»، قابلیت اثبات دارد.

از عوامل عمده پیدایش خرافات و رواج آن در میان اقوام و ملت‌های جهان، جهل و خامی بشر است و به هر نسبت که آدمی با حقایق و واقعیات آشنا تر شود به همان نسبت از خرافه‌پردازیهای او کاسته می‌گردد.^۲

در تاریخ زندگانی بشر، خرافات سابقه‌ای طولانی داشته شاید بتوان عمر آن را به اندازه عمر کلیه ادوار حیات نوع انسان دانست که شدت و ضعف توجه به آن، رابطه مستقیمی با انحطاط یا اعتلای فکری و واقع بینی جوامع بشری دارد.

ساده لوحی و جهل توأم با ترس و نگرانی از رخدادهای طبیعی، و بخصوص نقش بعض افراد سودجوی شیاد در این راستا، تقلید کورکورانه اقشار بی سواد و یا حتی بعضاً با سواد بدون اندیشیدن درباره آثار خوب یا بد چیزها، ضعف مادی و معیشتی افراد و بالطبع گراییده شدنشان به عقیده بر شانس و بخت،^۳ عدم وجود عدالت اجتماعی و سر آخر تمایل بشر به

۱ - الأقطاب القطیبه ... عبدالقادر بن حمزه بن یاقوت الأهری، ص ۵۳ نیز در مورد وهم ن ک؛ فرهنگ اصطلاحات عرفانی ابن

عربی، گل بابا سعیدی ص ۹۸۲

۲ - جاهلیت و اسلام ص ۴۸۱

۳ - در اینباره ن ک، دایره المعارف بزرگ اسلامی ج ۱۱ ص ۴۷۰



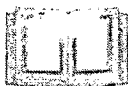
اسطوره سازی از دیگر عوامل رواج یافتن خرافات و گرایش بشری به سوی موهومات و اباطیلی چون اعتقاد به عطسه، نحس بودن سیزده و أمثالهم است که این خود جوامع بظاهر متمدن و پیشرفته بشری را نیز استثنا نکرده رواج بازار حرفه‌هایی چون فالگیری، طالع بینی، پیشگویی، جادوگری و خرید و فروش اشیایی خوش یمن و نیز طلسمها در سراسر جهان امروز، از جمله در کشورهای متمدن، مبین وجود و گسترش افکار خرافی بوده و نشانه آن است که در زیر نقاب به ظاهر خرد گرای جوامع نوین، اشتیاقی گسترده و فوق العاده نسبت به پدیده‌های اسرارآمیز موهوم، موج می‌زند.^۱

اما آنچه بیش از هر چیز در این باب، رخ می‌نماید گرایش جوامع دینی به این سمت و سوست که علی‌رغم فرهنگ غنی دینی شاهد رواج و پایبندی بعض متدینین نسبت به اموری موهوم و خرافی می‌باشیم که البته با اندک کاوشی، جمله این امور را ریشه دوانده در جهل و ناآگاهی، استیصال و درماندگی در برابر بعض مشکلات دنیوی، جس کنجکاوی، ترس از عواقب احتمالی، بی‌اعتنایی نسبت به بعضی موهومات، فرار از مسئولیت و بالاخره سستی ایمان واقعی به خدا و اینکه تمام عالم در دایره حکمت بالغه او جای گرفته است، می‌توان یافت.^۲ چنانکه این امر در مواردی چون اعتقاد به «بخت» پر واضح است؛ و استاد شهید مطهری در اینباره می‌گویند: «معتقدین به بخت و شانس - در جامعه‌ای زندگی می‌کرده‌اند که افراد و اشخاص، عمری به سعی و عمل می‌گذرانده‌اند اما با محرومیت به سر می‌برده‌اند، در عوض بیکارها و عزیزهای بلا جتهتی را نیز می‌دیدند که برخوردار و مرفه بودند، لذا هر چه دیدند بی‌تمیز را ارجمند و عاقل را خوار یافتند و این مطلب کم‌کم شکل یک فلسفه به خود

۱ - پایان نامه ارشد علوم قرآن و حدیث (خرافات و اساطیر) ابراهیم بهرامی ص ۲۵ نیز در مورد مصادیق خرافات متداول در بین

جوامع بشری ن ک؛ جاهلیت و اسلام

۲ - همانجا ص ۲۵



گرفت با نام (فلسفه بخت) و نام همه این بی‌نظمی‌ها و مظالم را، فهمیده یا نفهمیده بخت گذاشته‌اند . . . حال آنکه این امور علتی ندارد جز ناهمواریها و بی‌عدالتیهای اجتماعی»^۱

و البته امور دیگری چون «اسرائیلیات» نیز خود نقش بسزایی در توسعه و تعمیق خرافات در بطن جوامع دینی ایفا نموده‌اند. اسرائیلیات در اصطلاح بعضاً فقط به آن دسته از روایات اطلاق می‌گردد که صبغه یهودی داشته و یا در مفهومی گسترده‌تر، روایات یهودی و مسیحی را در بر بگیرد و بعضاً نیز هر نوع روایت و حکایتی را که از منابع غیر اسلامی وارد قلمرو فرهنگ اسلامی شده باشد، شامل می‌شود^۲ و ورود اسرائیلیات بر عرصه شریعت اسلام تنها، دستاورد معدود صحابه کم‌خردی است که از نظر علم و معرفت و اسلام‌شناسی چندان مایه‌ای نداشته از این رو متأثر و فریفته سخنان آنان می‌شدند.^۳ بدین ترتیب عواملی چون منع نگارش و نقل احادیث پیامبر اکرم (ص) و میدان دادن خلفاء اموی به داستان سرایان بجهت ایجاد اشتغالات ذهنی برای مردم و انحراف اذهانشان از مسائل جامعه، و نفوذ نصرانیها در دستگاه خلافت امویان و تلاش بر انزوای اهل بیت (ع) و میدان دهی به دانشمندان متظاهر به اسلام و کینه توز اهل کتاب^۴ از یکسو و مجاورت مسلمانان بی‌سواد و ناآگاه و اسطوره پرداز عرب بدوی مسلک شیفته دانش اهل کتاب با ایشان - و بالطبع حرص و ولع بر شنیدن افسانه‌های خود بافته احبار یهود و کنجکاوی آموختن امور شگفت‌انگیز و حیرت‌آور اندیشمندان اهل کتاب - به‌مراه یکدیگر زمینه را بیش از پیش جهت رخنه نمودن اباطیل و وهمیات در اندیشه افراد جامعه بشری و امتزاج آن با حقیقت مهیا نموده است که نمی‌بایست از منظر اهل علم غافل آید.^۵

۱ - بیست گفتار، مرتضی مطهری ص ۶۷

۲ - دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاء الدین خرمشاهی ج ۱ ص ۲۱۳ نیز ن ک؛ دایره المعارف فارسی مصاحب ج ۱ ص ۱۳۵ و دایره المعارف تشیع ج ۲ ص ۱۳۹

۳ - نقش ائمه در احیاء دین، سید مرتضی عسگری ج ۶ ص ۹۸

۴ - مانند ۸۲ «لتجدن أشدَّ الناس عداوة للذین ءامنوا الیهود و الذین أشركوا»

۵ - ن ک؛ پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر قرآن، محمد تقی دیاری ص ۱۶۷